

اشاره

ما در این مقاله به عنوان یک حوزه مطالعاتی در ژاپن فلسفه ورزش، تاریخچه، مشخصه‌ها و چشم‌اندازهای پیش روی آن را به منظور مشارکت در بین‌المللی‌سازی رشته علمی فلسفه ورزش مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

انجمن فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی ژاپن^۱، از زمان تأسیس در سال ۱۹۷۸،

همه‌ساله همایشی با عنوان فلسفه ورزش را برگزار می‌کند. به‌رغم این پیگیری‌ها، تمایلات ژاپنی‌ها نسبت به فلسفه ورزش از مرزهای کشور فراتر نرفته و به گوش جهانیان نرسیده است. زبان ابزار ارتباط بین‌المللی است که می‌تواند در نشر و توسعه فلسفه ورزش در بین جهانیان مؤثر باشد. ولی به دلیل مشکلات موجود بین زبان ژاپنی و انگلیسی مشکل‌ساز شده است. پرسش این است که آیا تمایلات ژاپنی نسبت به فلسفه ورزش با جنبه‌ها و دلمشغولی‌های کشورهای انگلیسی‌زبان نسبت به فلسفه ورزش متفاوت است یا خیر؟ در این مقاله تلاش می‌شود تا مخاطبان را در یافتن پاسخ این سؤالات یاری کند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه ورزش، ژاپن، فلسفه تربیت‌بدنی

مرسوم شدن ورزش و تربیت‌بدنی در ژاپن در قرن نوزدهم

از سال ۱۶۳۹-۱۸۶۸، یعنی در خلال دوران شوگون‌سالاری توکوگاوا، معروف به دوران ایدو^۲، ورود خارجی‌ها به ژاپن ممنوع بود. با آغاز دوران تجدید حیات میجی^۳ و در پیش گرفتن سیاست درهای باز و خروج از انزوا به فرمان وی و آغاز دوران جدید برای تبدیل به ملتی مدرن و تبادلات سیاسی و تجاری ورود خارجی‌ها به ژاپن آغاز شد. احیای میجی تغییر و تحولات عظیمی را در ساختار اجتماعی و سیاسی ژاپن به ارمغان آورد. مردم به‌شدت به تمدن غربی روی آوردند. در چنین اوضاعی ورزش هم به ژاپن راه پیدا کرد. ورزش ابتدا در دبیرستان‌ها و همچنین کالج‌ها و دانشگاه‌ها مرسوم و سپس در بین جوانان رواج یافت. ورزش به‌طور ویژه‌ای در بین دانشجویان نخبه کالج‌ها و دانشگاهی متداول شده بود. همچنین، تربیت‌بدنی همانند برنامه‌ای درسی در مدارس ابتدایی و متوسطه مرسوم شد.

ژیمناستیک همانند روشی از تربیت‌بدنی اساساً در مدارس مورد استفاده قرار می‌گرفت. ورزش و تربیت‌بدنی به‌واسطه ژیمناستیک، برای جامعه ژاپنی پدیده‌ای جدید و نو تلقی می‌شد.

همان‌طوری که کاتاواکا (۲۰۰۸) متذکر شده است، نظام تولید در کشورهای غربی مبتنی بر تقسیم کار بود. مشابه با این روال، در آن زمان سازمان‌هایی نیز در ژاپن تأسیس شد. در نتیجه، این تقسیم کار بسیار مفید بر تمامی حوزه‌هایی تأثیرگذار بود که برای فعالیت‌های اجتماعی سازماندهی شده بودند.

فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی

نویسندگان: تاکایوکی هاتا
و ماسامی سیکینی
مترجم: دکتر جواد آزمون،
دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

ورزش به دلیل ماهیت فستیوالی و جشن و سرور خود در قالب تشکیلاتی جداگانه وظیفه تأمین لذت و شادی را به عهده گرفت. ژیمناستیک نیز به دلیل برخورداری از روش‌های تربیت انسانی، در قالب تشکیلات دیگری مأموریت یافت تا فقط به مؤلفه‌های جسمانی بپردازد.

برطبق دیدگاه کاتاوکا (۲۰۰۸) چنین تقسیم کاری در ژاپن کاملاً نو و روشی برای پرداختن به فعالیت‌های انسانی محسوب می‌شد. برای مثال، در ورزش همه‌ساله در رودخانه سومیدا در توکیو مسابقات کرجی‌رانی^۴ برگزار می‌شد تا دانش‌آموزان قدرت خود و لذت فراوانی را نمایش دهند که از این فعالیت می‌بردند، در حالی که ژیمناستیک کاملاً با اهداف جسمانی برگزار می‌شد. هر یک از آن دو تشکیلات اهداف خود را دنبال می‌کردند. ورزش در قالبی بازی‌گونه، تفریحی و البته رسمی رفتارهای اجتماعی، مثل مسابقات‌های تفریحی، رقابت‌های تفریحی، فنج و پیروزی‌های تفریحی و بازی‌های ورزشی تفریحی را دنبال می‌کرد که اساساً برای تفریح و بازی و ایجاد فضای شاد طراحی شده بودند؛ تا ما شادی و سرخوشی حاصل از عملکردهای انسانی را به خدا پیشکش کنیم. حرکات موزون بر روی سکو و صحنه نمایش نیز بخشی از چنین فضای شاد و تفریحی را به خود اختصاص می‌داد. در مقابل، ژیمناستیک قانون و قواعد ورزش و عناصر بازی‌گونه و تفریحی را نداشت. ژیمناستیک روش مخصوص به خود را، یعنی آموزش، تمرین و تجربه برای رشد و بهبود جسمانی داشت. از آن‌چه شرح داده شد، می‌توان فهمید که در آن دوران دو نگرش و روش جداگانه مرتبط با فعالیت جسمانی در ژاپن وجود داشته است؛ یکی روش فعالیت‌های جسمانی تفریحی و بازی‌گونه و دیگری روش فعالیت‌های جسمانی جدی و بااهمیت. از بین این دو روش از فعالیت‌های جسمانی فعالیت‌های جسمانی تفریحی فرهنگ ورزش را میان دانش‌آموزان ایجاد و توسعه داد و روش فعالیت‌های جسمانی جدی، مفاهیم محتوایی بسیار مهم را برای تربیت‌بدنی در مدرسه فراهم آورد، تا این که جنگ جهانی دوم پایان یافت.

تقدم فلسفه تربیت‌بدنی بر فلسفه ورزش

از زمانی که در قرن نوزدهم ورزش به مدد کشورهای غربی به ژاپن عرضه شد، ژاپنی‌ها آن را پذیرفتند و در حکم وسیله‌ای در خدمت تربیت‌بدنی در کشورشان توسعه دادند. این حقیقت در واقع مبین این موضوع است که فلسفه ورزش در ژاپن ریشه در تربیت‌بدنی مدارس دارد. به بیان دقیق‌تر، فیلسوفان ژاپنی نه تنها حوزه فلسفه ورزش را معرفی نکردند، بلکه برای توسعه آن نیز اقدامی انجام ندادند. این متخصصان تدریس و آموزش ورزش و تربیت‌بدنی بودند که انجمن علمی فلسفه ورزش را بنا نهادند و اداره می‌کردند. تأسیس حوزه مطالعاتی فلسفه ورزش، مبتنی بر علاقه متخصصان تدریس و آموزش ورزش و تربیت‌بدنی بود، نه مبتنی بر علاقه فیلسوفان به ورزش.

تاریخچه، مشخصه‌ها و چشم‌اندازها



فلسوفانه‌ای را هیچ فیلسوف دیگری انجام نداد. ناکای نیز پس از سال ۱۹۳۳ هرگونه مطالعه فلسفه محور بیش تر را در موضوع ورزش متوقف کرد.

از طرف دیگر، با تأسیس نظام آموزشی در دورهٔ احیای مجدد میجی، تربیت‌بدنی در مدارس فراگیر شد و بخش مهمی از برنامهٔ درسی مدارس ژاپن تلقی می‌شد. تربیت‌بدنی تا پایان جنگ جهانی دوم به این دلیل مهم تلقی می‌شد که نیرومندی بدنی یا نیرومندی ملت را به ارمغان می‌آورد. پس از جنگ، به این دلیل که تربیت‌بدنی بیش از ورزش پتانسیل ارتقاء سلامتی و تندرستی مردم را در پی داشته و ضمناً عنصری سازنده محسوب می‌شد، بیش تر مورد توجه قرار گرفت. ما در ژاپن برای مطالعه و بررسی فیلسوفانهٔ تربیت‌بدنی، به این دلیل که مطالعهٔ فلسفی در حوزه تربیت‌بدنی نسبت به حوزه ورزش آسان تر بود،

حداقل به دو دلیل فلسفه تربیت‌بدنی در ژاپن بر فلسفهٔ ورزش مقدم شد. نخست، نظام تعلیم و تربیت کشور عهده‌دار تربیت‌بدنی بود و دوم این که در حوزهٔ تربیت‌بدنی تعدادی محقق مشغول به کار بودند که ورزش را فیلسوفانه بررسی و مطالعه کرده بودند.

مطالعهٔ فلسفهٔ ورزش همانند مطالعهٔ فیلسوفانه تربیت‌بدنی بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن عمومیت یافت. ما قصد داریم تا دلایل چرخش فلسفهٔ ورزش از تربیت‌بدنی به ورزش را مورد بررسی قرار دهیم.

در ابتدا، هنگامی که ورزش در ژاپن مرسوم شد، بلافاصله در کل کشور منتشر نشد، بلکه دانشجویان با حضور در اجتماعات وسیع و بزرگ تر نقش برجسته‌ای در ترویج آن بازی کردند. به هر حال، با وجودی که گروهی از دانشجویان نخبه به ورزش می‌پرداختند، در حد و اندازه‌های یک فرهنگ مطرح نبود. تا قبل از جنگ جهانی دوم، هیچ کس در ژاپن برای ورزش ارزش عقلانی و فکری^۵ قائل نبود. هم دانشجویانی که ورزش می‌کردند و هم استادان و مدیران دانشگاه‌ها به ورزش رفتاری مخالف و متضاد با فعالیت‌های درسی و مانعی در نیل به فضل و دانش می‌نگریستند. بی‌توجهی به ورزش همانند فعالیتی فکری یا یک فعالیت درسی مهم نگرشی عام در بین فلاسفه نسبت به ورزش بود. در واقع چنین نگرشی در سطح جهانی نیز پدیدار شده بود. به نظر می‌رسد در چنین دوره‌ای فلاسفه، هم در غرب و هم در شرق توجه کم‌تری به ورزش داشتند. برای مثال وایس (۱۹۶۹) در خصوص ایالات متحده آمریکا چنین گزارش کرده است:

«تاکنون فلاسفه، عموماً با دقت و وسواس به این موضوع توجه‌ای نداشته‌اند و بی‌خیال ورزش شده بودند. البته، ورزش تنها مسأله‌ای نبود که آن‌ها نسبت به آن بی‌اعتنا باشند. جنسیت، شغل، بازی و کامیابی‌های دنیوی هرگز در کانون توجه مداوم فلاسفهٔ برجسته نبوده است. آن‌ها دربارهٔ سرشت، طبیعت و اوضاع مطلوب برای دستیابی به لذت ابدی تفکر می‌کردند. آن‌ها خود را با ایدهٔ فضیلت‌جویی و با آرزوی رسیدن به آن مشغول کرده بودند. آن‌ها این واقعیت را پذیرفته بودند که اساساً بشر (انسان)، با طبیعت‌ها و میل و رغبت‌های مشابه در هر کجای عالم که باشد بشر است. اما چنین ایده‌هایی باعث نشد تا آن‌ها وقت و انرژی خود را برای مطالعه در خصوص عالم‌گیرترین اشتغالات بشری صرف کنند.»

ژاپن نیز سال‌های طولانی چنین وضعیتی داشت. تا این که در سال ۱۹۳۳، فیلسوفی ژاپنی به نام ناکای (۱۹۳۳)، در نشریهٔ شیزو مقاله‌ای تحت عنوان «ساختار احساسات من وقتی که ورزش می‌کنم» را به رشته تحریر درآورد، که در آن زمان تنها بحث و بررسی فیلسوفانه به ورزش فیلسوفی ژاپنی بود. در این مقاله، او به تجربیات زیبایی‌شناختی شخصی حاصل از پرداختن به ورزش قایق‌رانی را، پدیده‌شناسانه مورد ملاحظه قرار داده بود، متأسفانه، چنین تعبیر و تفسیر

مطالعهٔ فلسفهٔ ورزش همانند مطالعهٔ فیلسوفانه تربیت‌بدنی بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن عمومیت یافت

گذر از فلسفه تربیت بدنی و رجوع به فلسفه ورزش

دلایل متعددی برای چرخش فلسفه ورزش از تربیت بدنی به ورزش، بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن، وجود داشته است. یکی از این دلایل زمینه‌های اجتماعی حاکم بر ژاپن در دهه ۱۹۶۰ بود. به دلیل واگذاری امتیاز میزبانی بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ در توکیو، ورزش رقابتی در ژاپن به رسمیت شناخته شد. در نتیجه چنین رخدادی، ملت ژاپن قویاً به ورزش همانند ابزاری رقابتی تعلق خاطر پیدا کرد. در چنین موقعیتی، تمرکز بر عواید اجتماعی ناشی از ورزش رقابتی و در مقابل احتمال ظهور مشکلات اخلاقی در حین ورزش‌های رقابتی، که گفته می‌شد ارزش اجتماعی دارند، هدف فلسفه ورزش شده بود. بازی‌های المپیک در توکیو برای کشور ژاپن رشد اقتصادی به ارمغان آورد و نه تنها اقتصاد ژاپن را متأثر ساخت، بلکه باعث شد تا ورزش همانند پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی مطرح شود. بنابراین، مردم به جای رفتن به سالن‌های ورزش مدارس، برای کسب لذت از تماشای رقابت‌های ورزشی به محل برگزاری مسابقات ورزشی هجوم آوردند. مضافاً این‌که، پرداختن به ورزش پس از ساعات مدرسه، امری مهم به رسمیت شناخته شد. هم‌چنین، بعد از معرفی ایده آموزش و پرورش تلفیقی مادام‌العمر^۶، از سوی لینگزند^۷ (۱۹۷۰) در یکی از اجلاس‌های یونسکو در پاریس، ایده ورزش مادام‌العمر^۸ به سرعت در ژاپن شایع

شد و محبوبیت پیدا کرد. بدین‌سان شرایط و الزامات توجه فیلسوفانه به ورزش نیز مهیا شد.

دلیل دیگری را که می‌توان در توجیه چرخش فلسفه ورزش از تربیت بدنی به ورزش به آن اشاره کرد، تغییر در دیدگاه‌های عقلانی و روانی ژاپنی‌ها یعنی گذر از آگاهی عام^۹ به خودآگاهی^{۱۰} بود. این تغییر سبب شد، تا تحت تأثیر درک غربی‌ها از انسان، ورزش امری شخصی تلقی شود. در زبان ژاپنی، اصلاً لغتی مترادف با مفهوم انگلیسی «شخصی یا فردی»^{۱۱} وجود ندارد. این لغت انگلیسی به ژاپنی «کوچین»^{۱۲} ترجمه شده است. از سال ۱۸۵۰ به بعد که این واژه انگلیسی، همانند معادلی برای مفهوم «فردی» مورد استفاده قرار گرفته است، هسته اندیشه ژاپن مدرن را تشکیل داد، اندیشه‌ای که در آن ورزش به‌عنوان فعالیت خلاقانه فردی مطرح بوده است. ژاپنی‌ها ضمن حفظ هویت و منش خود و در پی لذت‌جویی در زندگی از راه ورزش بودند. مهم‌ترین دلیل در شایع شدن ورزش مدرن به سبک غربی در ژاپن، همانا امکان انجام فردی و شخصی آن بوده است. چنین اوضاعی هم به لحاظ مقرراتی و هم به لحاظ معنوی، متفاوت از فرهنگ غیرفردگرایانه هنرهای رزمی سنتی ژاپن بوده است.

هم‌زمان با مطرح شدن ورزش مادام‌العمر، پدیده‌ای اجتماعی در ورزش ژاپن به‌وجود آمد. در آن زمان، ورزش و مفهوم خودشکوفایی^{۱۳}، به موازات تغییرات اجتماعی در ژاپن به یکدیگر پیوسته شده بودند (شیمازاکی، ۱۹۸۲). (نیوا ۱۹۸۲)، که در آن زمان در ژاپن، از موقعیتی اجتماعی برخوردار بود، اظهار داشته است که: «ورزش سهم بسزایی در خودشکوفایی^{۱۴} و ابراز وجود^{۱۵} دارد.»

فلسفه ورزش و تربیت بدنی بعد از سال ۱۹۵۰

ما در بین چند محفل علمی که سعی داشتند تربیت بدنی را فیلسوفانه مورد بررسی قرار دهند پیش‌قدم بودیم. قضاوت درخصوص این‌که آیا آن‌ها موفقیت‌های درخشانی به دست آوردند، سخت است. اما کوشش‌های آن‌ها که سرآغازی

هنگامی که ورزش در ژاپن مرسوم شد، بلافاصله در کل کشور منتشر نشد، بلکه دانشجویان با حضور در اجتماعات وسیع و بزرگ‌تر نقش برجسته‌ای در ترویج آن بازی کردند



با اهمیت در ایجاد فلسفه تربیت‌بدنی بود، گامی در جهت عیان شدن سیمای روشنی از تربیت‌بدنی محسوب می‌شد (ساتو، ۲۰۰۷). انجمن تندرستی و تربیت‌بدنی ژاپن، به‌عنوان انجمنی علمی، در سال ۱۹۵۰، به بازشناسی تربیت‌بدنی نظیر موضوعی مهم و علمی پژوهشی در سطح کشور پرداختند بخشی از این انجمن، که اکنون بیش از ۲۰۰ عضو دارد، در سال ۱۹۵۵ برای مطالعه فلسفی تربیت‌بدنی سازماندهی شده بود. در ابتدا، به‌رغم هدف و روش مطالعه، این بخش «اصول تربیت‌بدنی»^{۱۴} نام گرفته بود تا این‌که در سال ۲۰۰۵ به بخش «فلسفه تربیت‌بدنی»^{۱۷} تغییر نام یافت. در سال ۱۹۷۸ «انجمن فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی ژاپن»^{۱۸} تأسیس شد. سپس کتاب‌هایی که به قلم فلاسفه غربی ورزش (فرالیگ، ۱۹۸۰؛ لینک، ۱۹۹۷؛ لینک، ۱۹۹۷؛ لینک و پیلاز، ۱۹۹۸؛ مینبرگ، ۱۹۹۵؛ توماس، ۱۹۸۳؛ وایس، ۱۹۶۴؛ زیگلر، ۱۹۶۴؛ زیگلر، ۱۹۷۷) بود، به زبان ژاپنی ترجمه شد. این کارها تأثیر بسیار مهمی در ایجاد و توسعه فلسفه ورزش در ژاپن داشت. تعدادی از اساتید از میان بنیانگذاران انجمن فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی ژاپن تحت تأثیر نوشته‌های این فلاسفه غربی ورزش قرار گرفته بودند. برای مثال، کاتاواکا به شدت تحت تأثیر نوشته‌های زیگلر (۱۹۷۷، ۱۹۶۴) و دیگران قرار گرفته بود. نویسندگانی مثل فرالیگ (۱۹۸۴) و لینک (۱۹۹۷؛ ۱۹۹۸) موفقیت‌ها و تجربیات خود را در زمینه اخلاقیات ورزشی به دانشجویان فارغ‌التحصیل در رشته فلسفه ورزش منتقل کردند. مؤثرترین فیلسوف در بین آن فلاسفه وایس (۱۹۶۹) بود. کتاب «ورزش: یک بررسی فلسفه» اثر وایس بیش‌ترین تأثیر را بر فلسفه ورزش در ژاپن گذاشته بود.

مشخصه‌های موضوعی در مقالات ژورنالی ژاپنی

ارائه نتایج تحقیقاتی در موضوع نظریه‌های مرتبط با بدن و جسم با تأکید بر فلسفه ورزش، در ژاپن متداول شده است. مقالات مرتبط با جسم به‌طور مستمر در چند ژورنال چاپ می‌شوند. در دهه ۱۹۸۰، دو مقاله در موضوع بدن انسان برای چاپ در «ژورنال فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی»^{۱۹} پذیرفته

مطالعه فلسفه ورزش در ژاپن
با موضوعاتی درباره دیگران
و با دیگران ارتباط زیادی
دارد. بررسی‌ها در بحث اخلاق
ورزشی بر ارتباط‌های میان فردی
متمرکزند تا اخلاق شخصی

شده‌اند. کاتو (۱۹۸۳) به تفکر در خصوص «مفهوم شخص»^{۲۰} پرداخت و «مفهوم فردیت»^{۲۱} (شخصیت یا وجود فردی) را روشی برای مطالعه حرکت انسانی شرح و وصف کرد. تاکی زاوا (۱۹۸۳) موضوع هوشیاری (یا حس آگاهی) در هنگام فعالیت‌های جسمانی را مطالعه و با استفاده از «تجزیه تحلیل پدیده‌شناسانه»^{۲۲} عملکرد هوشیاری را در عمل وصف کرد.

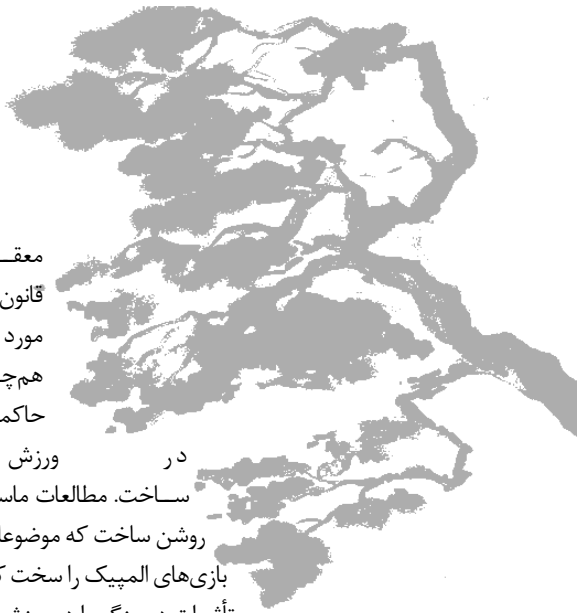
از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، مطالعات مربوط به نظریه‌های جسمانی، با استفاده از روش‌های «پدیده شناسانه»^{۲۳} در حال رشد و توسعه‌اند. تاکی زاوا (۲۰۰۵) در سال ۲۰۰۵، مقاله‌ای با نام «فرآیند شکل‌گیری دیدگاه فرد از بدن انسان» منتشر ساخت و در آن به بررسی و توصیف اختلافات دیدگاهی میان کشورهای غربی و ژاپن پرداخته بود. او مقاله دیگری در خصوص بدن و چشم انسان از منظر پدیده‌شناسی در سال ۲۰۰۶، با نام «وضعیت موجود دیدگاه فردی از بدن انسان در ژاپن» ارائه کرد. او با این مقاله نه تنها به خوبی روشن ساخت که ژاپنی‌ها نسبت به بدن انسان چه دیدگاه و نظری داشتند، بلکه به این نکته نیز پرداخت که چه‌گونه این دیدگاه در خصوص بدن انسان به وجود آمده است. او هم‌چنین طی مطالعه‌ای تطبیقی فرهنگی با عنوان «مقایسه بین دیدگاه‌های ژاپنی، انگلیسی و آلمانی در خصوص شکل‌گیری فرآیند دیدگاه فردی از بدن انسان» به مقایسه این دیدگاه‌ها پرداخت. نتایج حاصل از این مطالعه تطبیقی روشن ساخت که شکل‌گیری دیدگاه فردی از بدن انسان ریشه فرهنگی دارد. تاکاماتسو (۲۰۰۴)

در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نحوه حیات بدن در ورزش» به بررسی این نکته پرداخت که آیا حرکت جسم انسان که وسیله بیان بدن در ورزش تلقی می‌شود، قادر به بیان نحوه حیات بدن است یا خیر؟ آیا این وسیله بیان (حرکات بدن) مثل صحبت

کردن معنا و مفهوم را می‌رساند؟ او هم‌چنین نحوه حیات بدن را از طریق مقایسه با زبان صحبت کردن و هنر شرح داد. این مقایسه نشان داد که اولاً، حرکت بدن انسان نیاز به توضیح زبانی معانی ندارد و ثانیاً، مشخصه‌های احساسی و معانی بیان شده در ورزش آن‌چنان با حرکت بدن آمیخته نشده‌اند.

کاتافوشی (۲۰۰۰) روشن ساخت که چه‌طور نوگرایی در دوران میجی موجب تغییراتی در دیدگاه سنتی ژاپنی‌ها از بدن شده است. تاکی زاوا (۲۰۰۲)، از منظر تعلیم و تربیتی، سؤالات جدیدی را در خصوص ارتباط بین بدن و اجتماع مطرح کرد و بر این تاکید داشت که ارزش‌های تعلیم و تربیتی پرورش بدن متفاوت از فرهنگ ورزشی مدرن است. با توجه به پیوند معضلات اجتماعی و بدن به یک‌دیگر در عصر حاضر، خانم یاماگوشی (۲۰۰۳) در خصوص نقص حواس برای ادامه حیات در زمانه ما مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی آزادی عمل بدنی تا جایی که چشم نیز همان جسم انسانی تلقی شود» نوشت. وی در این مقاله بررسی کرده است که چه‌گونه عمر (زندگی یا دوران حیات) یک فرد بازسازی می‌شود و نتیجه گرفت که در حل این معضل دشوار آزادی عمل بدنی نقشی اساسی داشته است. لذا با توجه به پرداختن بسیاری از مقالات ژورنالی ژاپنی به این موضوع می‌توان چنین تلقی کرد که آن‌ها جسم انسان را موضوعی برای مطالعه پذیرفتند. در سال‌های اخیر مقالات مجله «فلسفه ورزش» اغلب روی معضلات اخلاقی در ورزش، مخصوصاً مطالعه مستمر بر موضوع بسیار مهم دوپینگ تمرکز کرده‌اند. هنگام بررسی این مقالات در مجلات ژاپنی که به قلم کوندو (در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸) ماسوموتو (۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) و پژوهشگران سیکینی وهاتا (۲۰۰۴)، که در موضوع مطالعات اخلاقی در ورزش ارائه شده بود، توجه ما نیز به این موضوع جلب شد. کوندو (۱۹۹۷) به منظور پیشنهاد یک طبقه‌بندی

کاتافوشی روشن ساخت که چه‌طور نوگرایی در دوران میجی موجب تغییراتی در دیدگاه سنتی ژاپنی‌ها از بدن شده است



معقول از جنسیت از منظر اخلاقی، قانون اثبات جنسیت را از منظر اخلاقی مورد توجه قرار داد. کوندو (۱۹۹۸) هم‌چنین در یکی از مقالاتش موضوع حاکمیت فرد بر بدن خود و یک شخص ورزش مشتزنی حرفه‌ای را روشن ساخت. مطالعات ماسوموتو (۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) روشن ساخت که موضوعات اخلاقی اجرای مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک را سخت کرده است. سیکینی و هاتا (۲۰۰۴)، تأثیرات دوپینگ را در ورزش ملاحظه کرد و به بررسی راه‌های غلبه بر این بحران ورزشی پرداخت. با این حال، در مجله «فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی»^{۲۴} مقالات مربوط به معضلات اخلاقی در ورزش کم هستند. اختلاف در صدی در خصوص مطالعات مربوط به مسائل اخلاقی بین این دو مجله (مجله «فلسفه ورزش» و مجله «فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی» ممکن است ناشی از مصلحت‌اندیشی سردبیران آن‌ها باشد.

چشم‌انداز آینده فلسفه ورزش در ژاپن

در این بخش از مقاله، علاقه‌مندیم که خطوط توسعه و پیشرفت فلسفه ورزش ژاپن را در آینده ترسیم کنیم. در سال‌های اخیر، میان ژاپنی‌ها گرایش به معنویت سنتی مجدداً رواج یافته است. این رویکرد به معنای ظهور مجدد جوامعی است که از واژه مدرن «من» دور و به سوی «ما» شدن تمایل پیدا کرده‌اند. فلسفه ورزشی ژاپن به این موضوع همانند مشکلی ارتباطی نگریسته‌اند و در خصوص آن به بحث پرداخته‌اند. در خصوص تئوری بدن و ارتباطش با ذهن و روح تئوری‌های جسمانی، عاملی برای برقراری ارتباط انسان‌ها با یک‌دیگر محسوب می‌شود. گزاره‌گویی نیست که هدف این تحقیق بررسی آگاهی (فهم) متقابل از ورزش است. با این ذهنیت، بدن محور رفتار اخلاقی عامه مردم با دیگران محسوب می‌شود (سیکینی و ایشی گاکی، ۲۰۰۶) برای اثبات این دیدگاه به دیگران، سیکینی و ایشی گاکی (۲۰۰۶) راه و شیوه‌ای را جست‌وجو کرده‌اند که فهم مشترک و موافقی را میان ورزشکاران به وجود آورد. آن‌ها برای رسیدن به فهمی متقابل (دو سویه) از طریق بدن به تحقق پرداختند. موضوع چندین مقاله بررسی همبستگی یا ارتباط با دیگران در زمینه ورزش بوده است. ایشی گاکی (۱۹۹۵) تأکید کرده است که برای شخصی که فعالیت بدنی انجام می‌دهد مهم است که بتواند عملکرد مجربان حرکت را درک کند، تا بتواند آن عملکرد را تقلید و اجرا کند. او تلاش کرد تا ساختار توافق و هم‌فکری را

توضیح دهد و روش اجرای مجدد عملکرد را به نمایش بگذارد. فوکوساوا و دو تن از همکارانش (۱۹۹۹) به امکان فهم انسانیت (انسان بودن) در ورزش توجه کردند. او هم‌چنین به بحث فهم متقابل (دو سویه) از ورزش در بین جوامع مختلف نیز پرداخت. تعدادی مقاله در خصوص امکان ایجاد ارتباط با دیگران نه تنها از طریق زبان (گفت‌وگو) بلکه با کمک بدن منتشر شده است. برای مثال، خانم تاناکا (۲۰۰۵)، در مقاله خود با عنوان «آموزش توجه به دیگران در تربیت‌بدنی» ایده عمومی «توجه به دیگران» را به‌منظور توضیح و تشریح ارتباط یک شخص با دیگران در تربیت‌بدنی مجدداً ملاحظه و بررسی کرده است. ایشان نتیجه‌گیری کردند که «توجه به دیگران» فقط احساسی نیست، بلکه توانایی تفسیر مشخص و قطعی موقعیت، هم‌چنین تولید عمل نیز لازم و ضروری است. تاکاهشی (۲۰۰۵) روشن ساخت که چه‌طور ما «بجای ارتباط به‌واسطه حرکت» با دیگر بازیکنان را در انجام فعالیت می‌فهمیم و به آن عمل می‌کنیم و نتیجه‌گیری کرد که «بجای ارتباط به‌واسطه حرکت» توانایی کاربردی برای برقراری ارتباطی چندوجهی است، و حرکت به تنهایی با ارتباط ذهنی بلکه بایستی با «بجای ارتباط به‌واسطه حرکت» فهمیده شود.

چرا چنین مطالعاتی اخیراً در ژاپن رواج یافته است؟ تغییر بافت اجتماعی یکی از دلایل تأیید شده است. همان‌طور که در تئوری‌های فرهنگی قدیمی ژاپن اشاره شده است، مشخصه فرهنگی و تربیتی ژاپنی‌ها هماهنگی با دیگران و اجتماع است. برخلاف آن‌چه که در غرب وجود دارد، یعنی فردگرایی ما بیش از آن‌که «خود» را باور داشته باشیم «خودمان» را باور داریم. هر چند که اخیراً، چنین نگرش‌ها و فرهنگ اجتماعی در حال محو شدن از صحنه جامعه است. با این حال، ورزش و تربیت‌بدنی می‌توانند در ارتقا و ترویج حس احترام به دیگران و اجتماع نقش مهمی بازی کنند. برای تحقق چنین هدفی، انتظار می‌رود که مباحث اخلاقی نه تنها همانند اخلاق فردی، بلکه هم‌چون اخلاق گروهی با اخلاق ارتباطی متقابل رشد پیدا کند. بازسازی اجتماع در جامعه مدرن ژاپنی بحث همه حوزه‌ها، از جمله تعلیم و تربیت، مدیریت و مراقبت‌های پزشکی شده است. و ورزش یکی از عناصر مهم در بازسازی اجتماعی محسوب می‌شود.

از آن‌جا که زبان انگلیسی زبان رسمی بین‌المللی است، اگر ما به این زبان مقاله ننویسیم، قادر نیستیم حرفمان را به گوش جهانیان برسانیم. نویسندگانی غیرانگلیسی‌زبان، برای این‌که افراد دیگر کشورها را از نتایج مطالعاتش آگاه سازد، بایستی مطلب خود را به زبان انگلیسی به رشته تحریر درآورد. پس تکلیف

ژاپنی‌ها ضمن حفظ هویت و منش
خود و در پی لذت‌جویی در زندگی از
راه ورزش بودند

بی‌نوشت

1. The Japan Society for the Philosophy of Sport and Physical Education

۲. (شوگون سالاری توکوگاوا که با نام‌های توکوگاوا باکوفو و ادو باکوفو نیز شناخته می‌شود، حکومتی فئودالی در ژاپن بود که به دست شوگون‌ها و خاندان توکوگاوا اداره می‌شد. از این دوران با عنوان «دوره ادو» نیز یاد می‌شود و نام خود را از پایتخت این دوره ادو-توکویو امروزی- می‌گیرد. پایگاه حکومت شوگون سالار توکوگاوا قصر ادو بود. این حکومت از سال ۱۸۶۸-۱۶۰۳، که آغاز دوران جدید حیات میجی بود، پایدار ماند. - مترجم)

۳. (احیای میجی یا بازگرداندن میجی (به ژاپنی: Meiji) زنجیره‌ای از رویدادها بود که به دگرگونی‌های عظیمی در ساختار سیاسی و اجتماعی ژاپن منجر شد. تجدید حیات میجی انقلابی بود که در نیمه دوم قرن نوزدهم، در پایان دوره ادو یا باکوماتسو و آغاز دوره میجی رخ داد و هدف آن ترکیب پیشرفت‌های تکنیکی غربی‌ها با ارزش‌های سنتی شرق بود. تجدید حیات میجی سبب سرعت گرفتن روند صنعتی‌سازی ژاپن شد و این امر نیز به نوبه خود به رشد میلیتاریزم انجامید. واژه ترکیبی میجی به معنای قانون روشن‌بینی است. - مترجم)

۴. شاخه‌ای از ورزش فایقرانی - مترجم.

۵. در مقابل جسمانی - مترجم

6. The idea of lifelong integrated education

7. Lengrand

8. The idea of lifetime sport

9. Common consciousness

10. Self-consciousness

11. Individual

12. Kojin

13. Self- realization

14. Self- actualization

15. Self- assertion

16. Principles of Physical Education

17. The Philosophy of Physical Education

18. The Japan Society for the Philosophy of Sport and Physical Education

19. The Journal of the Philosophy of Sport and Physical Education

20. The concept of subject

21. The concept of identity

22. phenomenological analysis

۲۳. پدیده‌شناسی یا فنومنولوژی (Phenomenology) مکتب و روشی است که توسط ادmond هوسرل با هدف نظام بخشیدن به فلسفه و علوم انسانی پایه‌گذاری شده است. این مکتب به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات، یا به عبارت دیگر نسبت به پدیده‌هایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند - مترجم.

24. The Journal of the Philosophy of Sport and

Physical Education

منبع

ژورنال فلسفه ورزش: سال ۲۰۱۰، شماره ۳۷، صفحات ۲۲۴-۲۱۵.

نشریات و کتاب‌هایی که به زبان غیرانگلیسی، مثلاً ژاپنی، چاپ می‌شوند، چیست؟ با این حال، محصولات ورزش یا ورزش فلسفی حتی در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان بازاری برای فروش و عرضه این گونه محصولات وجود دارد. مثلاً انجمن ژاپنی فلسفه ورزش و تربیت‌بدنی با ۱۵۰ عضو، در کنار انجمن ژاپنی تربیت‌بدنی، تن‌درستی و علوم ورزشی با بیش از ۶۰۰۰ عضو، بازار بالقوه‌ای برای عرضه مباحث فلسفه ورزش محسوب می‌شوند. بسیاری از این اعضای علاقه‌مند به فلسفه ورزش به سایر حوزه‌های مختلف علوم ورزشی نیز علاقه‌مند هستند. البته به هر دلیلی ممکن است علاقه به سایر حوزه‌ها استمرار نداشته باشد، اما فلسفه ورزش مشتریان بالقوه دارد.

مع‌الوصف، فلاسفه فعلی ژاپنی تأثیر زیادی بر فلسفه ورزش ندارند. خیلی از آن‌ها نه به فلسفه ورزش علاقه‌ای دارند و نه در زمینه‌ای که کار می‌کنند، به نوشتن مقاله به زبان انگلیسی علاقه دارند. متأسفانه، در این موضوع به زبان انگلیسی فلاسفه فعلی ژاپنی اطلاعات بسیار کمی در دسترس دیگران گذاشته‌اند.

فعلاً، نتایج مطالعات محققان ژاپنی در موضوع فلسفه ورزش به زبان ژاپنی منتشر می‌شوند. با این حال، اگر آن‌ها آرزو دارند در پیشرفت دانش بشری در موضوع فلسفه ورزش در سطح بین‌المللی مشارکت کنند بایستی توانایی خود را در نگارش به زبان انگلیسی ارتقا دهند.

نتیجه‌گیری

مطالعه فلسفه ورزش در ژاپن با موضوعاتی درباره دیگران و با دیگران ارتباط زیادی دارد. بررسی‌ها در بحث اخلاق ورزشی بر ارتباط‌های میان‌فردی متمرکزند تا اخلاق شخصی. این‌ها مشخصه‌های اصلی و مهم فلسفه ورزش و اخلاق ورزشی در ژاپن هستند. واضح و مبرهن است که زمینه‌ساز شناسایی حس اجتماعی تلاش‌های جمعی بوده است. فلسفه ورزش در ژاپن با گسترش حس جمعی می‌تواند در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد. تاکنون، فلسفه ورزش در ژاپن با اتکا زیاد به ترجمه کارهای بیگانگان رشد یافته است. اگرچه معلوم نیست که آیا این روند در آینده نیز ادامه یابد یا نه، ترجمه‌های ژاپنی به دلایل زیر نقش مهمی در آینده خواهند داشت:

به دلیل اهمیت موضوع برای علاقه‌مندان به فلسفه ورزش، مطالعه اسناد و مدارک به زبان ژاپنی بر زبان بیگانه ارجح است. تا وقتی زبان ژاپنی زبان رسمی در کشور ژاپن است، بازار ژاپنی فلسفه ورزش پابرجاست و ترجمه به ژاپنی از زبان‌های بیگانه، به‌ویژه برای محققان تازه‌کار در موضوع فلسفه ورزش نقش مهمی در آینده بازی خواهد کرد.